

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

پارنتی مایکل

برگردان: ا. م. شیری

۱۵ اگست ۲۰۱۱

## آنتی کمونیسم چپ نما

فصلی از کتاب «پیراهن سیاهان و سرخها: فاشیسم عقلانی و سقوط کمونیسم»

سافرانسیسکو ۱۹۹۷

قسمت دوم

لجن پراکنی

از میان ما به کسانی که حتی اگر با ستالین و سیستم رهبری او مخالف بوده و به وجود نارسائی های جدی زیادی در جامعه شوروی اذعان داشتند، ولی از پیوستن به آنتی کمونیسم امتناع کردند، آنتی کمونیست های چپ نما برچسب «شوروی ستا» و «ستالینیست» می زدند. یگانه تخطی جدی ما این بود که خلاف بسیاری از چپ نماها از بلعیدن القانات تبلیغاتی مطبوعات امریکا در باره جوامع کمونیستی امتناع می کردیم.

در مقابل آن، ما تأکید می کردیم که علی رغم تبلیغات شدیداً خصمانه راجع به نواقص و نارسائیهای سیستم کمونیستی موجود به سبب اینکه زندگی صدها میلیون انسان را به معنی واقعی و انسانی کلمه بهبود بخشیده، ارزش حفظ و حراست دارد.

این ارزیابی ما به هیچوجه خوشایند آنتی کمونیست های چپ نما که حتی نمی توانستند یک کلمه مثبت در باره هیچیک از جوامع کمونیستی (ندرتاً به استثنای کوبا) بر زبان بیاورند و تاب شنیدن چنین دیدگاهی را نداشتند، نبود. ارتدوکس های تا مغز استخوان آنتی کمونیست اکثریت چپ ها در امریکا و مک کارتیسم چپ را به ضد انسانها، انسانهایی که نگرش مثبت نسبت به کشورهای کمونیستی داشتند، تحت تأثیر قرار دادند و از شرکت آنها در کنفرانسها، هیأت های تحریر و انتشاراتی، مبارزات سیاسی و نشریات چپ ممانعت به عمل آوردند.

آنتی کمونیست‌های چپ هم مثل کنسرواتو ها (محافظه کاران)، با هیچ چیزی کمتر از تقبیح بی قید و شرط اتحاد شوروی به عنوان "هیولای ستالینی" و "انحرافات اخلاقی لنینی" موافق نبودند.

بسیاری از کمونیست‌های امریکا و چپ‌های نزدیک به آنها در واکنش به این تبلیغات گسترده آنتی کمونیستی که همچو سیلاب مطبوعات و زندگی اجتماعی امریکا را فراگرفته بود، جنبه اقتدارگرایانه اتحاد شوروی را مورد انتقاد قرار ندادند.

آنها بدین ترتیب به اتهام به رسمیت شناسایی اتحاد شوروی به مثابه «بهشت کارگران» محکوم شدند. بسیاری از چپ‌ها در امریکا کمترین آشنائی با آثار لنین و زندگینامه سیاسی او ندارند، این امر اما مانع آن نمی شود که آنها به لجن پراکنی به ضد «لنینیسم» بپردازند.

نوآم چامسکی، یکی از این کاریکاتورهای آنتی کمونیسم، برای مثال، تفسیر زیر را از لنینیسم ارائه می دهد: «روشنفکران در غرب و در جهان سوم بدین جهت به سوی ضد انقلاب بلشویکی گرایش می یابند که طبق نظریه لنینیسم، روشنفکران رادیکال حق دارند با توسل به زور، قدرت سیاسی را تسخیر نموده و رهبری کشور را به دست گیرند.

چنین ایده ای بیشک باب میل روشنفکران است».

اینجا، چامسکی کاریکاتور مضحکی از قدرت پرستی روشنفکران ارائه می دهد و بعد با افزودن کاریکاتور دیگری از لنینیست های به عقیده او، لات که ابزارهای انقلابی را نه برای مبارزه با بیعدالتی، بلکه فقط و فقط به خاطر قدرت به خدمت می گیرند، تکمیل می کند.

زمانی که صحبت از تعقیب و آزار سرخ‌ها به میان می آید، چپ نماها موضعی به مراتب بدتر و مخربتر از افراطیون راست اتخاذ می کنند.

هنگام انفجار تروریستی سال ۱۹۹۶ در اوکلاهاماسیتی، من لجن پراکنی مفسر رادیو را شنیدم که می گفت:

«لنین نوشته که هدف از ترور، ترور است».

مفسران امریکائی اغلب چنین قولهای عوامفریب از لنین نقل می کنند.

اما لنین در واقع، ترور را مورد انتقاد قرار می دهد و مخالفت خود را با هر نوعی از اقدامات تروریستی اعلام می کند که فقط به اشاعه وحشت در میان مردم، به تشدید خفقان و جدائی جنبش انقلابی از توده ها منجر می گردد. لنین مخالف سرسخت دگماتیسم و توطئه و ترور بوده است.

لنین طرفدار پیگیر تشکیل ائتلاف وسیع و سازماندهی گسترده توده های وابسته به جناح های سیاسی مختلف بوده است.

استفاده از کلیه امکانات موجود برای توسعه مبارزه طبقاتی، از جمله شرکت در انتخابات پارلمانی و شرکت در

اتحادیه های کارگری موجود اکیداً توصیه می گردد. [\*]

بی تردید، طبقه کارگر مثل هر گروه اجتماعی دیگر، برای پیشبرد موفقیت آمیز مبارزات انقلابی به سازماندهی و رهبری نیازمند است و شکی نیست که حزب پیشرو باید هم این نقش را ایفا نماید.

ضمناً روشن است، که انقلاب پرولتری نمی تواند از طریق شورش طلبی، ماجراجویی و ترور پیروز شود.

لنین همیشه از گرفتاری به دو انحراف هشدار می داد:

اپورتوننیسم بورژوائی و ماجراجویی چپگرایانه

با این حال، «مطبوعات وزین» و برخی چپ‌نماها لنین را بی‌وقفه به عنوان یک شورش طلب‌ماورای‌چپ قلمداد می‌کنند.

این مسأله که آیا نظریه لنینی انقلاب، در حال حاضر مطلوب و یا به طور کلی، عملی است، نیازمند بررسی انتقادی است. [\*\*]

اما برای درک این مسأله، از کسانی که تئوری و عمل او را تحریف می‌کنند، نمی‌توان انتظار مثبتی داشت.

**ادامه دارد**

[www.eb1384.wordpress.com](http://www.eb1384.wordpress.com)

#### **یادداشت ویراستار پورتال:**

\* - وقتی "لنین" از شرکت در پارلمان یادآوری می‌نماید به هیچ صورت منظورش شرکت در پارلمانهائی نیست که در کشور های نیمه فئودالی - نیمه مستعمره به وجود آمده اند و یا این که به مانند افغانستان و عراق زیر نام شرکت در پارلمان آنهم سوء استفاده از گفتار لنین، اداره مستعمراتی یک رژیم دست نشانده را قانونیت دموکراتیک عطا نماید.

\*\* - قبل از برخورد انتقادی به نظریه "لنینی انقلاب"، اولتر از همه باید محتوای آن نظریه را با دقت شکافت و تطبیق آن را در پرتو روح ماکسیزم (برداشت مشخص از شرایط مشخص) مورد مطالعه قرار داد.

ویراستار بخش ایندولوژیک پورتال